

پژوهشی در ادبیات شفاهی سمنان

(نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های تاریخی امثال و حکم)

دکتر هدایت الله ستوده

عضو هیأت موسس و هیأت امنای

موسسه آموزش عالی علاءالدوله سمنانی - گرمسار

انتشارات ندای آریانا

تهران - ۱۴۰۰



—

سرشناسه	: ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۱۹ -
عنوان و بدیناوار	: پژوهشی در ادبیات شفاهی سمنان (نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های تاریخی امثال و حکم) / هدایت‌الله ستوده.
منشخصات نشر	: تهران : ندای آریانا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص.
شابک	: 978-600-5770-64-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۳۲] - ۲۳۸؛ همچنین به صورت ربرویس.
موضوع	: ادبیات عامه ایرانی -- سمنان
موضوع	: Folk literature, Iranian -- Semnan
موضوع	: فرهنگ عامه -- ایران -- سمنان
موضوع	: Folklore -- Iran -- Semnan
رده بندی کنگره	: PIR۳۳۷۹
رده بندی دیویی	: ۸۱۹/۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۷۳۲۸۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

www.ketab.ir



پژوهشی در ادبیات شفاهی سمنان (نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های

تاریخی امثال و حکم)

تایف : دکتر هدایت‌الله ستوده

ناشر: ندای آریانا

چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۷۰-۶۴-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱ ۶۶۹۶۷۳۵۵

قیمت ۸۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۷	فصل اول: ادبیات شفاهی، میراث فرهنگی نیاکان ما
۱۷	ادبیات شفاهی چیست؟
۲۰	ادبیات شفاهی و مردم شناسی
۲۲	سودمندی های ادبیات شفاهی
۲۳	ادبیات شفاهی در برابر ادبیات کتبی
۲۴	ویژگی های ادبیات شفاهی
۲۴	انواع ادبیات شفاهی
۳۴	ادبیات داستانی
۳۵	اسطوره ها
۳۶	افسانه ها
۳۹	لطیفه ها
۴۰	ادبیات نمایشی
۴۵	فصل دوم: آیین های اجتماعی و ادبیات مراسمی
۴۵	ارتباط ادبیات شفاهی با مراسم و آیین های اجتماعی
۴۶	آیین های باران خواهی
۵۰	نوروز خوانی
۵۳	آتش افروزی
۵۵	غول بیابانی
۵۷	میر نوروزی
۵۹	کوسه بر نشین

- ۶۲ آیین های اجتماعی و جشن های کهن
- ۶۳ جشن نوروز
- ۶۷ جشن تیرگان (جشن آب پاشان یا آبریزان)
- ۶۹ جشن سده - یلدا

۷۳ فصل سوم : مَثَل ؛ گوهر بی بدیل ادبیات شفاهی

- ۷۴ نکاتی چند در مورد مَثَل ها
- ۷۶ مَثَل ها و ویژگی ها
- ۷۶ ایجاز و کوتاهی
- ۷۷ شهرت و رواج میان مردم
- ۷۸ جنبه های پند و اندرز
- ۷۹ حُسن تشبیه
- ۸۰ روشنی و درستی معنی
- ۸۱ طبقه بندی مَثَل ها
- ۸۲ مَثَل ها در زبان سمنانی
- ۸۳ مَثَل های منتور و منظوم
- ۹۱ مَثَل های تمثیلی و حکمی

۹۹ فصل چهارم : تمثیل و مَثَل

- ۱۰۰ گونه شناسی تمثیل
- ۱۰۱ تمثیل های طنز آمیز
- ۱۰۳ دلایل تمثیل سازان به شیوهٔ روایی
- ۱۰۳ تمثیل ها در مَثَل های سمنانی
- ۱۰۴ داستان های حاجی و دو باغدار همسایه
- ۱۰۷ از ماست که بر ماست
- ۱۱۳ یَز دادن
- ۱۱۵ قوز بالا قوز

- ۱۲۰ استخوان لای زخم می گذارد.
- ۱۲۳ پیل عاشقی به کیسه بر نمی گردد.
- ۱۳۲ علی نوجه حلوایی.

فصل پنجم : ریشه های تاریخی امثال و حکم ۱۳۵

- ۱۳۵ آب حیات.
- ۱۴۰ شتر دیدی ندیدی.
- ۱۴۲ ران ملخ.
- ۱۴۶ شاه می بخشد ، شیخ علی خان نمی بخشد.
- ۱۵۰ رقم رمق می خواهد.
- ۱۵۲ ریشه تاریخی مثل « نوره شنبه کچی »
- ۱۵۵ بل گرفت.
- ۱۵۷ ور گرم ، ور سرد.
- ۱۶۳ حرف مفت زن است.
- ۱۶۴ ارنعوت.
- ۱۷۲ لوطی خور شدن.

فصل ششم : بازتاب کنایه در مثل های سمنانی ۱۷۷

- ۱۷۷ کنایه چیست؟
- ۱۷۹ گونه شناسی کنایه.
- ۱۷۹ آهن سرد کوفتن.
- ۱۸۰ تفاوت مثل و کنایه.
- ۱۸۰ آهسته برو همیشه برو.
- ۱۸۳ خروس یک پا دارد.
- ۱۸۴ از زمین خشک تَرَب می کند.
- ۱۸۷ دل به کل سراه آب دارد.
- ۱۹۳ آنقدر مار خورده که افعی شده است.

مقدمه:

ادبیات شفاهی پربرترین بخش فرهنگ مردم و قلب تپنده فرهنگ و ادبیات هر مرز و بوم است. این گنجینه گرانقدر، زاده تجربه‌های زندگی، احساسات و اندیشه‌های مشترک افراد یک جامعه است و چه بسا برترین و والاترین آثار هر ملتی و قومی از این سرچشمه بهره گرفته و سیراب شده است. ادبیات شفاهی ارتباط مستقیمی با مراسم و آیین‌های اجتماعی دارد. هر یک از این رسم‌ها و آیین‌ها ادبیات خاص خود را دارد که بدان «**ادبیات مراسمی**» گویند که در هر سال کم و بیش در ترویج معنی برگزار می‌شود.

امثال و حکم بخشی از ادبیات شفاهی است که برخی آن را کهن‌ترین اثر ادبی می‌دانند که از فکر انسان تراویده و به یادگار مانده است؛ به همین سبب مانند کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌های باستانی اعتبار و سندیت بی‌گفتگو و خدشه‌ناپذیر دارد.

امثال و حکم جملات کوتاهی است که هر جا پای استدلال در مذاکرات عمومی سُست و چوبین شود به یاری متکلم می‌شتابد و مقصود و منظور گوینده را در یک جمله کوتاه و مستدل روشن و مدلل می‌سازد. به عنوان مثال برای سخنران و گوینده وقت کافی لازم است تا پیرامون احسان و انفاق بحث کند و بتواند ثابت نماید که بذل و بخشش، مذهب و ملت، مسلمان و غیرمسلمان نمی‌شناسد؛ محتاج، محتاج است. ولی این گفته ابوالحسن خرقانی عارف عالی قدر ایران که بر سر در مهمانسرا نوشت «**نانش دهید و ایمانش می‌رسید**»، همه چیز را در خود جمع کرده و گوینده سخن را از هر گونه اطاله کلام و بیان سخن خلاصی می‌بخشد.

در ادبیات فارسی و زبان سمنانی، اگر کسی به هر دلیلی نتواند منظور خود را صریح بیان کند؛ از «کنایه» استفاده می‌کند. کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و شیوه هنری گفتار است. به عنوان مثال در شعر شهریار: